**هو الله**

مدّتی است مديد که آن جناب در پاريس بخدمت مشغوليد هر چند زحمت و مشقّت بسيار است ولی خدمت پروردگار است و اکمال فنّ طبابت آن ديار لهذا سزاوار شکرانه است بايد نهايت شکرگزاری را از حصول اين موهبت مجری دارند زيرا بعون و عنايت حقّ اسبابی چنين فراهم آمد که شما در پاريس باشيد و نفس نفيس را فدای امر الهی نمائيد. با جناب آقا سيّد اسد الله بنهايت مدارا رفتار کنيد تا مير ناصر بيايد پيش از وصول مير ناصر حرکت شما جائز نه اين شخص در نزد عبدالبهاء بسيار عزيز است زيرا از سادات خمسه است که در ايّام مبارک همواره الطاف جمال قدم شامل حال بود توقيعات اسم اعظم متعدّد در حقّ ايشان صادر اين قضيّه حاصله عوارض از شدّت تفکّر و تدبّر و سعی و کوشش در امور حاصل گرديد و حکمت بالغه در اين عنقريب ظاهر خواهد شد. و امّا شروح ( مسيو انژل من ) در خطوط فصّ نگين اسم اعظم هر چند بدرجه‌ای مقارن حقيقت است ولی بايد که تعمّق زياد نمايند و تدبّر کلّی فرمايند زيرا مرکّب از دو باء است و چهار هاء شرح باء در تفسير بسم الله الرّحمن الرّحيم مرقوم گرديده بسيار مفصّل است در اين نامه نگنجد رجوع شود بآن. تکرّر باء اشاره بمقام غيب و شهود است و امّا چهار هاء که ارکان اربعه بيت توحيد است و عددش متمّم عشره است زيرا يک با دو سه سه و سه شش شش و چهار ده و اشاره باين مقام در آيه قرآن است که ميفرمايد ﴿ وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ ﴾. باری هاء را عدد پنج است و اين هاء هاء هويّت و حقيقت رحمانيّه است در عدد پنج که عدد باب است ظاهر و آشکار است لهذا در فصّ نگين اعظم باء با هاء ترکيب شده است و همچنين اسم اعظم از آن نقش ظاهر و عدد اسم اعظم نه است چون نه را که عدد بهاء است در باب که عدد پنج است ضرب نمائيد نه پنج است که چهل و پنج گردد و همچنين پنج را که عدد باب است در نه ضرب کنی که عدد بهاء است چهل و پنج است و اين عدد با عدد آدم مطابق است و همچنين مفردات نه را چون جمع کنی چهل و پنج است يک و دو سه سه و سه شش شش و چهار ده ده و پنج پانزده پانزده و شش بيست و يک بيست و يک و هفت بيست و هشت بيست و هشت و هشت سی و شش سی و شش و نه چهل و پنج و همچنين چون عدد باب را جمع کنی پانزده گردد: يک و دو سه سه و سه شش شش و چهار ده ده و پنج پانزده مطابق عدد حوّا است و موافق حديث أنا و علیّ أبوا هذه الأُمّة مقصد از آدم حقيقت فائضه متجلّيه فاعله است که عبارت از ظهور اسماء و صفات الهيّه و شئونات رحمانيّه است و حوّا حقيقت مقتبسه مستفيضه مستنبئه منفعله است که منفعل بجميع صفات و اسماء الهيّه است. باری اين ادنی رمزی از ترکيب اسم اعظم در فصّ نگين رحمانيست. و همچنين ملاحظه کنيد که سطوح ثلاثه عالم حقّ و عالم امر و عالم خلق است که مصادر آثار است عالم حقّ مصدر فيض جليل است و عالم امر مرآت صافيه لطيف که مستنبأ از شمس حقيقت است و عالم خلق مصدر اقتباس انوار است که بواسطه وسيله کبری المستفيضة من الحقّ و المفيضة علی الخلق حاصل گردد. باری باء حقيقی که حقيقت کلّيه است چون در مراتب ثلاثه از ذروه اعلی تا بمرکز ادنی نزول و تجلّی کرد جامع و واجد جميع عوالم شد و در افق عزّت قديمه دو کوکب نورانی ساطع و لامع گرديد کوکبی از يمين و کوکبی از يسار و اين رمز عظيم دو شکلی است که در يسار و يمين اسم اعظم در فصّ نگين محترم ترسيم گرديده و رمز از ظهور جمال ابهی و حضرت اعلی است و هر چند دو شکل يمين و يسار بصورت ستاره است ولی اشاره به هيکل انسانی است که عبارت از سر و دست و دو پاست و عليک البهاء الابهی. (عبدالبهاء عبّاس)